

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آلفرد مک کوی
برگردان از: آمادور نویدی
۲۸ جولای ۲۰۱۶

چه گونه یک گل "گلای رنگ" تنها ابر قدرت جهان را شکست داد

جنگ مواد مخدر امریکا در افغانستان

۱

روند بلند مدت هر چه می خواهد باشد، تریاک برای آینده قابل پیش بینی، به طور عمیق با اقتصاد روستائی، شورشیان طالبان، و دولتی فاسد که مجموع آن معمای افغان است گرفتار باقی می ماند. طالبان با درآمد فراوان از سیر محصولات زراعی گذشته، بدون شک برای فصل جنگ جدید که با شروع بهار می آید، آماده خواهد بود. در حالی که برف از کوهستان ذوب و سرازیر می شود، و شاخه های خشکاش از زمین جوانه می زنند، همانند ۴۰ سال گذشته، ارتش جدید استخدای از جوانان آماده جنگ برای نیروهای شورشی خواهد شد... اگر شما گره کور پیچیده جنگ افغانستان را ببرید، می توانید بزرگ ترین سیاست ضد و نقیض نهفته قرن را در شکست امریکا پیدا کنید: نیروی گسترده عظیم منهدم کننده نظامی واشنگتن توسط یک گل گلای رنگ، گل خشکاش، در مسیر فولادین خود، مرده توقف کرده است... امریکا درست مانند پانزده سال گذشته، می تواند در همان دام دور بی پایان باقی بماند و با هر ارتش جدید جنگجویان روستائی که به نظر می رسد هر سال به طور کامل مسلح از مزارع خشکاش کشور شکوفه می دهد، بجنگند. در این نقطه، تاریخ یک چیز به ما می گوید: در این سرزمین که تریاک با دندان های اژدها کشت شده است، امسال، سال آینده و سال بعد از آن ارتش جدید چریکی موجود خواهد بود... به بیان ساده، به اندازه ای ساده که حتی واشنگتن هم می توانست آن را درک کند، در آن زمان نوشتیم: «انتخاب به اندازه کافی روشن است»، «ما می توانیم هم چنان در جنگی بیرحمانه، با نتیجه ای نامشخص، باز هم با خون بیشتری، این خاک مرگ بار را بارور سازیم و یا می توانیم در بازسازی این سرزمین خشک کهن، با سبز کردن باغ ها، با پرکردن گله و رمه و بازسازی مزارع خراب شده در طول دهه ها جنگ کمک کنیم تا دوباره محصولات غذائی به جایگزینی مناسب برای تریاک تبدیل گردد. ما تنها زمانی می توانیم کشت مواد مخدر را از بین ببریم که دیگر شرایطی برای کشت آن وجود نداشته باشد... حتی در افغانستان مشکل دار، با این حال، جایگزین هائی وجود دارند که مجموع آن ها می تواند به طور بالقوه برشی برای این گره کور مشکل سیاسی باشد. به عنوان گام اول و اساسی، ممکن است زمانش فرار رسیده باشد که صحبت در باره اعزام گروه بعدی سربازان متوقف گردد و رئیس جمهور اوباما طرح خود مبنی بر خروج پرسنل را کامل کند. در

گام بعدی، حتی اگر بخشی از آن همه بودجه نظامی تلف شده در مناطق روستائی افغانستان سرمایه گذاری شود، می تواند برای میلیون ها کشاورزی که برای اشتغال وابسته به محصول تریاک هستند، بدیل های اقتصادی تولید کند. چنین پولی می تواند آن زمین و باغ های فنا شده، گله ها و رمة های به غارت رفته، انبارهای بذر، و سیستم تخریب شده آبیاری ذوب برف را، که قبل از یک دهه جنگ، یک کشاورزی متنوع را حفظ می کرد، بازسازی کند.



امریکا پس از طولانی ترین جنگ در تاریخ خود، در آستانه شکست در افغانستان است. چگونه این امکان پذیر شده است؟ چگونه تنها ابرقدرت جهان که به مدت ۱۵ سال به طور مداوم جنگ کرده است، با اعزام ۱۰۰ هزار از بهترین پرسنل خود و با قربانی کردن ۲۲۰۰ سرباز، بیش از یک تریلیون دالر (۱) عملیات نظامی، رکوردی در اسراف صدها میلیارد دالری (۲) برای «ساخت کشور/ ملت» و «بازسازی»، بالا بردن کمک، تأمین مالی، تجهیز، و آموزش یک ارتش ۳۵۰ هزار نفری صرف متحدان افغان کرده است، ولی هنوز قادر نشده است تا یکی از کشورهای فقیر جهان را آرام سازد؟ و به همین صورت چشم انداز ثبات در افغانستان در سال ۲۰۱۶ است که اخیراً کاخ سفید اوباما خروج بیش تر طراحی شده نیروهای خود را لغو کرده است (۳) و حدود ۱۰ هزار پرسنل را به طور نامحدود در افغانستان باقی می گذارد.

اگر شما گره کور پیچیده جنگ افغانستان را ببرید، می توانید بزرگ ترین سیاست ضد و نقیض نهفته قرن را در شکست امریکا پیدا کنید: نیروی گسترده عظیم منهدم کننده نظامی واشنگتن توسط یک گل به رنگ گلابی، گل خشخاش، در مسیر فولادین خود، مرده توقف کرده است.

برای بیش از سه دهه در افغانستان، عملیات نظامی واشنگتن تنها زمانی موفق شده است که آنها به طور مناسب در قاچاق تریاک به آسیای مرکزی/میانه راحت بوده اند و وقتی عذاب کشیده اند که در تکمیل آن کار، شکست خورده اند. اولین مداخله امریکا در سال ۱۹۷۹ شروع شد. این مداخله بدان دلیل در بخشی موفق شد که جنگ نیابتی را که سی آی ای (آژانس اطلاعاتی امریکا - سیا) برای اخراج شوروی از افغانستان راه اندازی کرده بود، منطبق با راه و روش متحدان افغان بود که از طریق افزایش قاچاق مواد مخدر کشور، برای حفظ یک دهه مبارزه طولانی خود استفاده می کرد.

از سوئی دیگر، از زمان حمله امریکا در سال ۲۰۰۱، در تقریباً ۱۵ سال مبارزه مستمر، بدین دلیل که امریکا نمی توانست افزایش تورم تجارت هروئین کشور را کنترل کند، تلاش های صلح برای محدود ساختن شورشیان طالبان عمدتاً شکست خورده است. تا جایی که تولید تریاک در پنج سال اول اشغال امریکا، از حداقل ۱۸۰ تن به اندازه شگفت آور تاریخی ۸۲۰۰ تن افزایش یافت، به نظر رسید که خاک افغانستان با دندان های اژدهای افسانه باستانی یونان شخم زده شده است. هر برداشت خشخاش، یک نسل جدید از مبارزان جوان برای ارتش چریکی در حال رشد طالبان به همراه داشت.

در هر مرحله از تراژیدی افغانستان، تاریخ پر آشوب بیش از ۴۰ سال گذشته – جنگ مخفی سال های ۱۹۸۰، جنگ داخلی دهه ۱۹۹۰، و اشغال امریکا از سال ۲۰۰۱- تریاک، یک نقش مهم شگفت انگیزی را در شکل دادن به سرنوشت این کشور بازی کرده است. در یکی از سرنوشت های بافته شده تلخ تاریخ، به گونه ای که محیط زیست منحصر به فرد افغانستان، هم گرا با فن آوری نظامی امریکائی، این کشور دور افتاده و محصور در خشکی را به اولین کشور واقعی مواد مخدر مبدل ساخت – کشوری که قاچاق مواد مخدر بر اقتصاد آن تسلط دارد، گزینه های سیاسی را تعریف می کند، و سرنوشت مداخلات خارجی را تعیین می کند.

جنگ مخفی (سال های ۱۹۹۲ – ۱۹۷۹)

جنگ مخفی سیا علیه اشغال افغانستان توسط شوروی در سال های ۱۹۸۰، به انتقال مرزهای بی قانون پاکستان و افغانستان کمک کرد تا بستری برای گسترش پایدار تجارت هروئین باشد. وزارت امور خارجه در سال ۱۹۸۶ گزارش داد: «در مناطق قبیله نی»، «هیچ نیروی پولیسی وجود ندارد. هیچ دادگاهی وجود ندارد. هیچ مالیاتی وجود ندارد. هیچ اسلحه ای غیرقانونی نیست... حشیش و تریاک اغلب در دسترس است.» تا آن زمان، روند به مدت طولانی در جریان بوده است. آژانس (سیا) به جای تکیه بر تشکیل ائتلاف خود از رهبران مقاومت، به سرویس اطلاعاتی پاکستان (آی اس آی) و دست نشاندهگان افغان تکیه کرد که خیلی زود مدیران افزایش قاچاق مواد مخدر مرزی شدند. جای تعجب نیست در حالی که تولید مواد مخدر افغانستان بدون کنترل از حدود ۱۰۰ تن در سال های ۱۹۷۰ به ۲۰۰۰ تن در سال ۱۹۹۱ رسید، آژانس زیر سیلی رد کرد/رویش را برگرداند. در سال های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰، درست در زمانی که تلاش سیا شروع به افزایش کرده بود، یک شبکه از آزمایشگاه های هروئین در امتداد مرز افغانستان و پاکستان باز شد. این منطقه خیلی زود، بزرگ ترین تولید کننده هروئین جهان شد. در سال ۱۹۸۴، عرضه کننده حیرت آور ۶۰ درصد از بازار هروئین امریکا و ۸۰ درصد بازار اروپائیان شد. در درون پاکستان، شمار معتادان به هروئین از نزدیک به صفر (بله، صفر) در سال ۱۹۷۹ به ۵۰۰۰ در سال ۱۹۸۰ و یک میلیون و سیصد هزار (۱،۳۰۰،۰۰۰) در سال ۱۹۸۵ رسید – میزان اعتیاد به اندازه ای بالا رفت که سازمان ملل آن را «به ویژه تکان دهنده» خواند (۴).

طبق گزارش وزارت امور خارجه در سال ۱۹۸۶، تریاک «یکی از ایده آل ترین محصول در کشور جنگ زده است، از آن جایی که جهت سرمایه گذاری، نیاز کمی به سرمایه دارد، خیلی زود رشد می کند، و به آسانی حمل و نقل و معامله می شود.» علاوه بر این، آب و هوای افغانستان خیلی مناسب این محصول ملایم، با قیمت بازار دو تا سه برابر بیشتر از منطقه مثلث طلایی در آسیای جنوبی، پایتخت سابق تجارت مواد مخدر بود. از آن جایی که جنگ نیابتی بین سیا و شوروی منجر به حداقل سه میلیون پناهنده و اختلال در تولید مواد غذایی گشت، کشاورزان افغان «از روی ناچاری» شروع به تولید تریاک کردند، که آسان تر «سود بالا» تولید کرده و می تواند افزایش هزینه های مواد غذایی را پوشش دهد. در همین حال، عناصر مقاومت، طبق وزارت امور خارجه، در تولید تریاک و قاچاق درگیرند «تا اقلام اصلی را برای [این] جمعیت تحت کنترل خود و هزینه خرید سلاح را فراهم سازند.»

هنگامی که مقاومت مجاهدین قدرت گرفت و در اوایل سال های ۱۹۸۰، شروع به آزادی مناطق در درون افغانستان کرد، این به تأمین مالی جهت عملیات او با جمع آوری مالیات از تولید گل گلابی رنگ خشخاش (۵) پرسود دهقانان کمک کرد، به ویژه در ولایت بارور هلمند، که زمانی سبد نان افغانستان بود. کاروان هایی که سلاح سیا را به منطقه

برای مقاومت حمل می کردند، اغلب با بار تریاک به پاکستان برمی گشتند – برخی اوقات، نیویورک تایمز گزارش می داد: «با موافقت مقامات اطلاعاتی پاکستان یا امریکائی که از مقاومت حمایت می کردند.» (۶).

وقتی که جنگ جویان مجاهدین تریاک را به مرز آوردند، به پالایشگاه های هروئین پاکستانی می فروشد که در استان مرزی شمال غربی کار می کنند، یک منطقه پنهانی که توسط سیا و متحد نزدیک سیا، جنرال فضل الحق اداره می شود. تا سال ۱۹۸۸، حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ پالایشگاه هروئین به تنهایی در منطقه خیبر استان بود. بیش تر در جنوب در منطقه کوه سلطان ایالت بلوچستان، گلبدین حکمت یار (۷)، دارانی با ارزش و مفید مورد علاقه سیا در افغانستان، شش پالایشگاه را کنترل می کرد که اکثر محصول تریاک را از میان کوه هلمند به هروئین تبدیل می کرد. سلاح سیا به با جعبه های چوبی و به وسیله کامیون های سلول لجستیک ملی ارتش پاکستان از بندر کراچی به این مناطق مرزی می رسد و با محموله هروئین به بنادر و فرودگاه هائی بر می گردند که بتوانند به بازار های جهان صادر شوند.

در ماه می ۱۹۹۰، در حالی که این عملیات مخفیانه رو به پایان بود، واشنگتن پست گزارش داد (۸) که حکمتیار دارانی رئیس سیا، رهبر متصل به شورشیان نیز قاچاقچی هروئین بود. پست ادعا کرد که مقامات امریکائی، برای مدت های طولانی از تحقیق درباره اتهام تجارت هروئین توسط حکمتیار، و به همان خوبی درباره سرویس اطلاعاتی پاکستان خود داری کرده بودند، بیش تر «به این دلیل که سیاست مواد مخدر امریکا در افغانستان تابع جنگ علیه نفوذ شوروی در آن جا بوده است.»

در واقع، چارلز کوگان، مدیر سابق سیا در عملیات افغانستان، بعدها رک و راست در مورد انتخاب آژانس خود صحبت کرد. او به تلویزیون استرالیا در سال ۱۹۹۵ گفت: «هدف اصلی مأموریت ما امکان انجام آسیب هر چه بیشتر به شوروی بود، ما منابع یا وقتی جهت اختصاص به تحقیق تجارت مواد مخدر نداشتیم، آری. من فکر نمی کنم که ما نیازی به عذرخواهی جهت این داشته باشیم... آری، از نظر مواد مخدر عواقبی وجود داشت. اما هدف اصلی انجام گرفت. شوروی افغانستان را ترک کرد.»

جنگ داخلی* افغان و ظهور طالبان (۲۰۰۱ – ۱۹۸۹)

در درازمدت، این چنین مداخله با « نهضت براندازی پنهانی » (که آشکارا درباره اش می نویسند و فخرفروشی می کنند)، یک سیاه چاله بی ثبات ژئوپولیتیک تولید کرد که هرگز پس از آن بهبود نیافت.

قرار گرفته در مسیر باد شمالی و باران های موسمی، جایی که باران ابرها حالا خشک و فشرده می رسد، افغانستان خشک هرگز از اولین مداخله امریکا و ویرانی بی سابقه ای که رنج برده است بهبود نمی یابد. زمانی که ابتداء جنگ در سال ۱۹۷۹ شروع شد، به غیر از مناطق آبیاری شده ای مانند دره هلمند، ارتفاعات نیمه خشک، اکنون یک اکو سیستم شکننده برای حفظ جمعیت قابل توجه تحت فشار بود. در حالی که جنگ بین سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۲ پیش می رفت، اتحاد به رهبری واشنگتن اساساً کشور را به حال خود رها کرد، نه از توافق صلح حمایت کرد و نه در بازسازی کشور کمک مالی نمود.

زمانی که در کشور جنگ داخلی با یک و نیم میلیون کشته و سه میلیون پناهنده، یک اقتصاد ویران، و دسته های به خوبی مسلح جنگ سالار برای کسب قدرت شروع شد، واشنگتن بسادگی نگاهی را برگرداند*. در طول سال های کشاکش جنگ وحشیانه داخلی که ادامه یافت، کشاورزان افغان تنها محصولی را که ضامن سود فوری بود، خشکاش را تولید کردند. برداشت تریاک، به بیست برابر و تا ۲۰۰ تن در دوران جنگ مخفی سال های ۱۹۸۰، به دو برابر در سال های ۱۹۹۰ جنگ داخلی رسید.

تولید تریاک (۹) در این مدت، باید به عنوان پاسخی به خسارت بسیار زیاد وارد شده از طرف دو دهه جنگ شناخته شود. با بازگشت آن سه میلیون پناهنده به سرزمین جنگ زده، مزارع کشت خشخاش از آن جایی که ۹ بار بیش تر از کشت گندم، کالای سنتی کشور به کارگران نیاز داشت یک نعمت خدادادی اشتغال بود. به علاوه، بازرگانان تریاک با سرعت کافی به تنهائی قادر به انباشت سرمایه بودند تا پول نقد بسیار مورد نیاز کشاورزان فقیر خشخاش را جلو تر و پیش پرداخت ارائه دهند که برابر با بیش از نیمی از درآمد سالانه آن ها بود. آن اعتبار/پول پیش قسط اثبات می کند که برای زنده ماندن بسیاری از روستائیان فقیر حیاتی بود.

در مرحله اول جنگ داخلی از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۴، جنگ سالاران بی رحم محلی، سلاح و تریاک را در مبارزه سراسر کشور برای کسب قدرت ترکیب کردند. پاکستان از طریق سرویس اطلاعاتی پاکستان (آی اس آی) کار می کرد و با تحویل سلاح و تأمین مالی به دست نشانده خود حکمتیار، مصمم به نصب متحدان پشتون خود در کابل، پایتخت افغانستان بود. اکنون، او نخست وزیر اسمی ائتلاف سرکش بود که سربازانش دو سال کابل را بمباران و راکت باران کردند و شهر را خراب کردند و حدود ۵۰۰۰۰ افغان را کشتند (۱۰). هنگامی که او با این حال در تسخیر کابل شکست خورد، پاکستان از نیروی تازه ظهور پشتون، طالبان، یک جنبش بنیادگرا که از مدارس اسلامی میلیتانت پدید آمد، حمایت کرد.

پس از تسخیر کابل در سال ۱۹۹۶ و کنترل بیش تر مناطق کشور، رژیم طالبان از کشت تریاک داخلی حمایت کرد، حفاظت دولت را ارائه داد تا تجارت صادرات و مالیات بسیار مورد نیاز، بر هر دو تولید تریاک و ساخت هروئین را از آن جمع آوری کند. نظرسنجی سازمان ملل نشان داد که، در مدت سه سال اول قدرت، طالبان از محصول تریاک کشور تا ۴۶۰۰ تن، یا ۷۵ درصد تولید جهان را در آن زمان رشد داده و بالا برده است.

در جولای سال ۲۰۰۰، با این وجود، در حالی که خشک سالی ویران گر به دومین سال خود وارد شد و گرسنگی توده ئی در سراسر افغانستان گسترش یافت، دولت طالبان در یک درخواست آشکار برای رسمیت شناختن بین المللی و کمک، به ناگهان دستور لغو (۱۱) تمام کشت تریاک را صادر کرد. بررسی متعاقب سازمان ملل از محصول ۱۰،۰۳۰ روستا آشکار ساخت که این ممنوعیت، برداشت محصول را ۹۴ درصد و تا ۱۸۵ تن کاهش داده است (۱۲) سه ماه بعد، طالبان هیأتی با ریاست معاون وزیر امور خارجه خود، عبدالرحمن زاهد (۱۳) به مرکز سازمان ملل در نیویورک فرستاد تا با به ازای ادامه ممنوعیت تجارت مواد مخدر، آن ها از نظر دیپلماتیک شناخته شوند. آن لابی در عوض، یک تحریم جدید بر رژیم برای حفاظت از اسامه بن لادن تحمیل نمود. امریکا، به عبارتی دیگر، در واقع طالبان را با ۴۳ میلیون دالر کمک بشر دوستانه پاداش داد، حتی زمانی که انتقاد سازمان ملل را در ارتباط با بن لادن تأیید کرد. با اعلام این کمک در ماه می ۲۰۰۱، کالین پاول وزیر امور خارجه امریکا گفت: «ممنوعیت کشت خشخاش، تصمیمی را که طالبان گرفته، ما خوش آمد می گوئیم» و از رژیم خواست تا «در مورد چندین مسأله اساسی که ما را از هم جدا می کند اقداماتی صورت پذیرد: حمایت آن ها از تروریسم، نقض استانداردهای بین المللی شناخته شده حقوق بشر آن ها، به ویژه برخورد آن ها با زنان و دختران.»

ادامه دارد

یادداشت:

با تمام ارزشمندی که این تحقیق حاوی آن است، از نظر ما در بعضی از نکات آن، بیشتر از آن که به عمق قضایا نظر انداخته شده باشد، ظواهر امر و آنچه را سیاستمداران و رسانه های وابسته بدانها، جهت فریب خلقها نشخوار نموده

و می نمایند، به مثابه یک "واقعیت" مورد توجه قرار گرفته است. از آن جمله دو نکته بیشتر از همه توجه یک خواننده آشنا به قضایای افغانستان را جلب می نمایند:

۱ - اصطلاح "جنگ داخلی" بعد از حاکمیت مستعمراتی "داکتر نجیب" یکی از آن کلاهبرداری ها و به چشم مردم خاک پاشین هائی است که امپریالیزم در طول تاریخ، از آن طریق تلاش نموده تا دامن آلوده به جنایت و کشتارش را از چشمدید مردم عادی بپوشاند. در غیر آن با در نظر داشت بیش از ۵۰ هزار از اتباع خارجی اعم از پاکستانی، ایرانی، عرب، روس، ترک، اروپائی، افریقائی و امریکائی زیر نام مجاهد و تقسیم آنها در بین نیروهائی که آبشخور همه آنها امپریالیزم، اسلام سیاسی در وجود ارتجاع داخلی و خارجی بود، آنها را بر خوردار از پشتیبانی تسلیحاتی و لوژستیک، ننگ برادر کشی و استخوان شکنی بین اقوام و ملیتهای با هم برادر افغانستان را به مردم افغانستان نسبت دادن، یا باید معلومات چنان انسانی به شدت متأثر از تبلیغات دشمنان مردم افغانستان باشد و یا این که چنان شخصی خود از جمع آنهائی می باشد که آگاهانه جهت تطهیر امپریالیزم قلم می زنند.

۲ - انتخاب سازمان استخبارات پاکستان یعنی "آی. اس. آی" به مثابه عامل اجرائی "سی. ای. ای" در امور افغانستان، و اجرای اهداف دراز مدت امریکا به وسیله کشور پاکستان و استخباراتش، نمی تواند به مثابه کناره گیری امپریالیزم امریکا و کلیت امپریالیزم غرب در قبال افغانستان، تلقی گردد.

ما به نیکوئی می دانیم که امروز دنیا در وضعیتی قرار گرفته، که امپریالیزم جهت سبکتر ساختن بارش و پیشبرد بهتر اهدافش، در هر گوشه ای از جهان، ضمن حفظ حاکمیت مطلق امپریالیزم امریکا حین تصمیم گیری ها، به اساس تقسیم وظایف، نهاد های منطقه ئی به مثابه بازوی اجرائی و دست دراز "سیا" عمل می نمایند، بر همین مبنا، "سیا" انجام بخشی از اهدافش را به دوش "آی. اس. آی" گذاشت نه این که گویا خودش را از افغانستان کنار کشیده باشد.

"آی. اس. آی" در تمام مدت هر آنچه به ارتباط افغانستان، روا داشته است، همه به دستور و تابعیت از سیاست های ستراتیژیک امریکا بوده و امپریالیزم امریکا و شرکایش در تمام نقاط جهان، هیچ گاهی نمی توانند دامن خویش را از جنایاتی که در افغانستان اتفاق افتاده، پاک نمایند.

اداره پورتال AA-AA

منابع:

(۱)-

<http://www.cnbc.com/2014/12/15/-for-us-cost-1tn.html>

(۲)-

<http://www.worldaffairsjournal.org/article/money-pit-monstrous-failure-us-aid-afghanistan>

(۳)-

http://www.nytimes.com/2016/02/01/us/politics/us-broadens-fight-against-isis-with-attacks-in-afghanistan.html?_r=0

(۴)-

http://www.unodc.org/pdf/world_drug_report_2000/report_2001-01-22_1.pdf

(۵)-

<http://www.nytimes.com/1986/06/18/world/afghan-rebel-s-victory-garden-opium.html?pagewanted=all>

-(۶)

<http://www.nytimes.com/2001/10/22/world/a-nation-challenged-war-and-drugs-afghan-ban-on-growing-of-opium-is-unraveling.html?pagewanted=all>

-(۷)

<https://www.washingtonpost.com/archive/politics/1990/05/13/us-declines-to-probe-afghan-drug-trade/f07eadd2-3d25-4dd5-9e8c-05beed819769/>

-(۸)

<https://www.washingtonpost.com/archive/politics/1990/05/13/us-declines-to-probe-afghan-drug-trade/f07eadd2-3d25-4dd5-9e8c-05beed819769/>

(۹)<http://www.nytimes.com/2001/11/26/world/nation-challenged-drug-trade-with-taliban-gone-opium-farmers-return-their-only.html>

-(۱۰)

<http://www.nytimes.com/2002/04/04/international/asia/04AFGH.html?pagewanted=all>

-(۱۱)

<http://www.nytimes.com/2001/05/24/world/at-heroin-s-source-taliban-do-what-just-say-no-could-not.html?pagewanted=all>

-(۱۲)

<http://www.nytimes.com/2001/11/26/world/nation-challenged-drug-trade-with-taliban-gone-opium-farmers-return-their-only.html>

-(۱۳)

<http://www.nytimes.com/2000/09/21/world/taliban-open-a-campaign-to-gain-status-at-the-un.html>